

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال دهم - شماره یکم - بهار ۱۳۹۶ - شماره پیاپی ۳۵

تصویرهای تشبیهی فشرده و ویژگی برجسته سبکی متون منثور عرفانی
(با تمرکز بر عبهرالعاشقین، اسرارالتوحید، کشف‌الاسرار و عدّة‌الابرار)
(ص ۳۰۳-۲۸۷)

مریم نافلی (نویسنده مسئول)^۱، حسین آفاحسینی^۲، سید علی اصغر میرباقری فرد^۳

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

با وجود اینکه صورخیال یکی از ویژگیهای اصلی شعر است اما در بسیاری از متون منثور عرفانی نیز کاربرد دارد؛ به گونه‌ای که گاه زبان برخی از این آثار به سبب کاربرد فراوان انواع صورخیال به زبان شعر می‌گراید. در این پژوهش هدف بر آن است تا تشبیه (رکن اصلی صورخیال) و تصاویر برخاسته از آن در متون منثور عرفانی بررسی شود و جایگاه این تصاویر در سبک‌شناسی متون منثور عرفانی آشکار گردد. با استخراج و بررسی تصاویر تشبیهی سه متن برجسته نثر عرفانی (عبهرالعاشقین، اسرارالتوحید، کشف‌الاسرار و عدّة‌الابرار) میتوان دریافت تصاویر تشبیهی فشرده مثل تشبیه بلیغ و انواع استعاره در تحلیل سبکی این متون، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تحلیل و بررسی ویژگیهای خاص تصاویر تشبیهی فشرده (تشبیه بلیغ و استعاره‌ها) همراه با داده‌های آماری، همچنین بررسی تصاویر از منظر درونگرایی و برونگرایی و بررسی ماهیت تصاویر فشرده در سه متن برجسته عرفانی، از دیگر اهداف این گفتار است.

کلیدواژه: تصویر فشرده تشبیهی، سبک‌شناسی، نثر عرفانی

Maryam_nafeli@yahoo.com

H.aghahosaini@itr.ui.ac.ir

Bagheri@ltr.ui.ac.ir

^۱ دانش‌آموخته ادبیات عرفانی دانشگاه اصفهان.

^۲ استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

^۳ استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

مقدمه

در این مقاله عبهرالعاشقین، اسرارالتوحید و کشف‌الاسرار و عده‌الابرار برای بررسی تشبیه در متون منثور عرفانی و تحلیل نقش تصاویر تشبیهی انتخاب شدند. از این آثار ۴۲۴۱ تصویر تشبیهی استخراج و در هشت گروه طبقه‌بندی گردید: استعاره، استعاره‌بالکنایه، تشخیص، تمثیل، تشبیه بلیغ، تشبیه مجمل، تشبیه مؤکد، تشبیه کامل. در آغاز این تصاویر به دو نوع فشرده و غیرفشرده تقسیم شد و سپس با بررسی شواهد، تحلیل سبک‌شناسی تصاویر تشبیهی انجام گردید. در تحلیل تصاویر تشبیهی در این آثار میتوان گفت تصاویر تشبیهی فشرده یکی از برجسته‌ترین ویژگیهای سبکی متون منثور عرفانی است.

پرسش اصلی و ضرورت تحقیق: این پژوهش بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که جایگاه تشبیه و صورخیال در بررسی سبکی متون منثور عرفانی چگونه است و علت کاربرد این ابزار بلاغی در سخن عارفان چیست؟ ضرورت تحقیق را در هدف پژوهش میتوان جستجو کرد. بررسی و تحلیل انواع مختلف تصویرهای تشبیهی در متون منثور عرفانی و مشخص کردن جایگاه این تصاویر در تحلیل سبکی این آثار مهمترین هدف این جستار است.

روش پژوهش: برای بررسی تشبیه در متون منثور عرفانی، عبهرالعاشقین، اسرارالتوحید و کشف‌الاسرار و عده‌الابرار انتخاب شد. علت انتخاب این آثار، زبان متفاوت آنهاست؛ زبان عبهرالعاشقین بین اشارت و عبارت و نزدیک به زبان شعر است. زبان اسرارالتوحید عبارت و زبان کشف‌الاسرار حد وسط زبان این دو اثر است. عبهرالعاشقین و اسرارالتوحید، کامل بررسی گردید و تصویرهای تشبیهی آن استخراج شد؛ اما در کشف‌الاسرار و عده‌الابرار به نوبه‌ی ثالثه جلد اول و دوم بسنده شد. به طور کلی مراحل دستیابی به سبک‌شناسی سه متن منثور عرفانی عبارت است از: استخراج تصاویر تشبیهی از متون، طبقه‌بندی تصاویر و تحلیل و بررسی یافته‌ها از منظرهای مختلف.

پیشینه پژوهش: برخلاف عبهرالعاشقین و کشف‌الاسرار، درباره‌ی تصویرهای تشبیه در اسرارالتوحید پژوهشی انجام نشده است. در مقاله «استعاره در زبان عرفانی میبدی» (جبری: ۲۹-۵۸) بحث بر کارکردهای استعاره در دو بخش شناختی و زیبا‌آفرینی متمرکز میشود و مباحث بیشتر در حوزه اهداف استعاره درخور تأمل است. از اشکال مختلف استعاره، داده‌های آماری و مباحث این جستار در آن بحثی ارائه نشده است. در مقاله «فراهنجاری معنایی در نثر کشف‌الاسرار میبدی» (بارانی: ۲۵۳-۲۷۷) نقش تشبیه و استعاره در دگرگونیهای معنایی بررسی میشود. مثالها مختصر و تحلیلهای و مباحث، متفاوت با این پژوهش است. در مقاله‌های «بررسی اغراض ثانویه معانی، بیان، مختصات نگارشی و سبکی عبهرالعاشقین» (شهبازی: ۲۸۶-۲۶۹)، «بررسی سبک نثر شاعرانه در عبهرالعاشقین» (بزرگ‌بیگدلی: ۲۱-۴۹) و «بررسی رابطه تجربه عرفانی و زبان تصویری در

عبرالعاشقین» (فتوحی: ۷-۲۵) درباره صورخیال از جمله تشبیه در عبرالعاشقین بحثهایی ارائه شده است. مثلاً در مقاله شهبازی درباره تشبیه و استعاره در عبرالعاشقین، توضیحاتی مختصر ذکر شده است. در آن مقاله علاوه بر تشبیه و استعاره حوزه‌های مختلف معانی و بدیع نیز بررسی میشود؛ به همین سبب بحث تشبیه و استعاره، مختصر و با نگرشی متفاوت از این پژوهش بیان شده است. در دو مقاله دیگر نیز نگرش نویسندگان بسیار متفاوت از این پژوهش است. به طور کلی بسیاری از تحلیلیها و مباحث این مقاله، همچنین داده‌های آماری، بررسی تصاویر از منظر درونگرایی و برونگرایی و تحلیل ماهیت تصاویر در مقالات نامبرده بررسی نشده است. از سویی دیگر این پژوهش حاصل بررسی تصاویر تشبیهی در سه اثر عرفانی برای یافتن ویژگیهای مشترک متون منثور عرفانی از منظر سبک شناسی در حوزه صورخیال است و پژوهشهای نامبرده فقط یک اثر عرفانی را بررسی کرده‌اند.

تصاویر تشبیهی فشرده در عبرالعاشقین، کشف الاسرار و عدّه‌الابرار و اسرارالتوحید

تشبیه از نظر صوری به دو نوع فشرده و گسترده تقسیم میشود. تشبیهات فشرده «با افزودن دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه‌به) به صورت یک ترکیب اضافی درمی‌آید» (سفر در مه، پورنامداریان: ۱۸۲). تشبیه بلیغ، استعاره‌ها (استعاره مکنیه و تشخیص) و استعاره‌گونه‌ها (نماد) تشبیهاتی در نهایت ایجاز است و وجود آنها در متن نشانه قدرت تخیل نویسنده است. تشبیهات فشرده در این سه اثر از بیشترین و پرکاربردترین انواع تشبیه است. فشرده‌گی و تراکم تصاویر از ویژگیهای تصویر در شعر سنتی است (بلاغت تصویر، فتوحی: ۱۰۸)؛ اما با بررسی تصاویر در این سه کتاب درمی‌یابیم این ویژگی در نثر نیز مشاهده میشود و فقط خاص شعر نیست. در جدول زیر کاربرد انواع تصاویر تشبیهی در هر سه کتاب نشان داده شده است.

جدول ۱: انواع تصاویر تشبیهی در عبرالعاشقین، اسرارالتوحید، کشف الاسرار و عدّه‌الابرار

عنوان	ز.ب.	تشبیه	بلیغ	استعاره	مکنیه	تشخیص	نماد	کلی	مجموع تشبیهات غیرفشرده:
عبرالعاشقین	۱۳۳۵	۲۴۰	۲۳۵	۱۵۰	۱۳	۸	۶	۳	۱۹۹۰
اسرارالتوحید	۱۸۶	۵۷	۶۸	۳۱	۱۸	۱۹	۱۷	۴	۴۰۰
کشف الاسرار	۱۱۰۸	۲۰۴	۳۰۹	۸۵	۵۹	۵۰	۳۶	-	۱۸۵۱
مجموع		۴۰۰۸							۲۳۳
									مجموع تشبیهات غیرفشرده:
									۴۲۴۱

از ۱۹۹۰ تصویر تشبیهی در عبهرالعاشقین حدود ۹۸,۵ درصد، از ۴۰۰ تصویر تشبیهی در اسرارالتوحید ۸۵,۵ درصد و از ۱۸۵۱ تصویر تشبیهی در کشف‌الاسرار حدود ۹۲,۵ درصد آن تصاویر تشبیهی فشرده است. در مجموع، از ۴۲۴۱ تصویر تشبیهی، حدود ۹۵ درصد تصاویر تشبیهی فشرده (بلیغ و انواع استعاره) است و فقط حدود ۶ درصد تصاویر، غیرفشرده است. در جدول زیر نیز فراوانی انواع تصاویر تشبیهی فشرده نشان داده شده است.

جدول ۲: فراوانی تصاویر تشبیهی فشرده در سه اثر

تصاویر تشبیهی فشرده	بلیغ	استعاره مکنیه	تشخیص	استعاره	مجموع
فراوانی	۲۶۲۹	۶۱۲	۵۰۱	۲۶۶	۴۰۰۸
درصد	٪۶۵,۶	٪۱۵,۲۷	٪۱۲,۵	٪۶,۶۳	٪۱۰۰

از میان تصاویر تشبیهی فشرده، تشبیه بلیغ با فراوانی ۶۵,۶ درصد (۲۶۲۹ تصویر) بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. در ادامه با توجه به کمیت ارائه شده هر یک از موضوعات بررسی و تحلیل میشود.

تشبیه بلیغ

تشبیه بلیغ، بالاترین مرتبه تشبیه در قوت و مبالغه (مختصرالمعانی: ۲۱۲) و زیباترین نمونه تشبیه است. در این سه متن، تشبیه بلیغ حدود ۶۵ درصد از تصاویر تشبیهی فشرده را به خود اختصاص داده است و پرکاربردترین نوع تشبیه فشرده است. تشبیه بلیغ در این آثار به دو صورت اسنادی و اضافی مشاهده میشود که البته کاربرد تشبیه بلیغ اضافی در این آثار بیشتر است. جدول زیر فراوانی انواع تشبیهات بلیغ را در سه اثر، نشان داده است.

جدول ۳: فراوانی تشبیه بلیغ در سه اثر

عنوان	عبهرالعاشقین	اسرارالتوحید	کشف‌الاسرار	مجموع
بلیغ اضافی	۱۱۵۰	۹۸	۸۹۱	۲۱۳۹
بلیغ اسنادی	۱۸۵	۸۸	۲۱۷	۴۹۰
مجموع	۱۳۳۵	۱۸۶	۱۱۰۸	۲۶۲۹
	٪۱۰۰	٪۱۴,۱۲	٪۸,۳۳	٪۱۰۰

از بین تشبیه بلیغ اضافی و اسنادی، تشبیه بلیغ اضافی با فراوانی ۸۱,۳۶ درصد از مقدار بیشتری برخوردار است و در مقابل تشبیه بلیغ اسنادی فقط ۱۸,۶۴ درصد تشبیهات بلیغ را شامل میشود. از جمله نمونه‌های تشبیه بلیغ در این آثار، به موارد زیر میتوان اشاره کرد:

بلیغ اضافی: زمین دل، آب صفای صفت (عبهرالعاشقین: ۶۳)؛ جیحون توحید، قنطره عشق (همان: ۱۱)؛ گلاب انبساط، آتش عشق (همان: ۱۳۷)؛ ورقاء روح، جناح عشق (همان: ۱۱۳ و ۱۱۲)؛

بساط عبودیت (کشف الاسرار و عده‌الابرار، ج ۱: ۱۴۱)؛ جوهر معرفت، صدف انسانیت (همان: ۴۳۰)؛ گوهر اخلاص، صدف دل (همان: ۳۸۸ و ۳۸۹).

بلیغ اسنادی: «اسلام درخت است، سنت آبشخور آن و ایمان ثمره آن و حق جلّ شأنه نشاننده آن» (همان: ۱۹۶)؛ «شریعت چراغ است، حقیقت داغ است.» (همان، ج ۲: ۷۴۰)؛ «علی مرتضی آن هزبر درگاه رسالت» (همان: ۵۹۸)؛ «این شهر دوزخیست» (اسرارالتوحید: ۲۳۷)؛ «عشق است باکوره باغ آن» (عبرالعاشقین: ۱۲۲)؛ «ایقین [زیرا که منظر اعلی است، منجیق اشواق است، مصباح عشاق آفاق است» (همان: ۱۲۰).

تحلیل تشبیهات بلیغ در سه اثر

در بررسی تشبیهات بلیغ در این آثار نکات درخور تأملی دریافت میشود: (۱) استفاده از آیات یا احادیث در جایگاه مشبه (۲) تشبیهات بلیغ متوالی (۳) صورخیال مضاعف یا پیچیده (۴) کاربرد فراوان تشبیه بلیغ مفرد به مفرد (۵) نقش مؤثر تشبیهات بلیغ مقید در استحکام صورخیال و رساندن معنا (۶) کاربرد فراوان تشبیهات عقلی به حسی.

(۱) **استفاده از آیات یا احادیث در جایگاه مشبه:** کاربرد بسیار آیات و احادیث در متون عرفانی موضوعی رایج است. نویسندگان این متون حتی از آیات الهی در ساختارهای تشبیهی نیز بهره برده‌اند. استفاده از آیات و احادیث در قالب تشبیه بلیغ و در جایگاه مشبه اهمیت و ارزش این سخنان را نزد عارفان و نویسندگان متون عرفانی مؤکد میکند. در این تشبیهات، مشبه به آیات و احادیث از چیزهای مطلوب و ستودنی همانند نگین، خلعت، عزت‌خانه، سلطنت و... است که این موضوع از ارزش و مقام بالای این سخنان حکایت میکند: «نقش "خلق الله آدم علی صورته"» (همان: ۲۰)؛

(۲) **تشبیهات بلیغ متوالی:** کاربرد تشبیهات بلیغ متوالی، ویژگی سبکی برجسته در این آثار به ویژه عبرالعاشقین و کشف الاسرار و عده‌الابرار است. «یادی که درخت توحید را آبشخورست دوستی حق مر آن را میوه و برست» (همان: ۴۱۹)؛ «تا از غمرات جهل و تیه تحیر به ساحل نجات و شطّ رشد شتابند» (اسرارالتوحید: ۲)؛ «اعاشقان [چون راق رجا از کأس وفا چشیدند، ماه جان از خسوف نقصان بیرون آید.» (عبرالعاشقین: ۱۱۲)؛

(۳) **صورخیال مضاعف یا پیچیده:** در مقاله «صور بیانی مضاعف در شعر فارسی» (صرفی: ۱۰۷—۱۳۲) صور بیانی مضاعف به دو دسته تقسیم میشود: (۱) ترکیب دو صورت بیانی با یکدیگر که خود دو نوع است: الف) ترکیب صورت بیانی با همان صورت (مثلاً استعاره با استعاره)؛ ب) ترکیب یک صورت بیانی با صورت بیانی دیگر (مثلاً استعاره با تشبیه)؛ (۲) ترکیب یک صورت بیانی با یک آرایه بدیعی. (مانند استعاره با ایهام) (همان: ۱۰۷ و ۱۰۸). در تشبیهات بلیغ این سه اثر

به صورت برجسته‌ای از این شگرد ادبی استفاده شده است. در برخی از تشبیهات بلیغ به ویژه در عبرالعاشقین و کشف‌الاسرار مشبهه ترکیبی اضافی است که تشبیهی دیگر از نوع بلیغ یا استعاره مکنیه را با خود همراه کرده است؛ مثلاً در «هزاران تحیت و آفرین بر روان پاک صحابه... که نجوم آسمان هدایت و شمع انجمن ر شد و عنایت بودند» (اسرارالتوحید: ۳) روان پاک صحابه به نجوم تشبیه شده است؛ اما نجومی که منظور نویسنده است نه ستارگان آشنای عالم ماده بلکه ستارگانی درخشان در آسمان عالم هدایت است. کاربرد آسمان هدایت در جایگاه مشبهه، گویی صورخیال را دوچندان کرده است. به همین سبب از این ویژگی تشبیهات بلیغ، صورخیال مضاعف یا پیچیده یاد شد. در بسیاری از این تشبیهات مشبهه به محسوس به نظر می‌رسد اما درحقیقت مشبهه به شگردهایی از تصاویر سطحی فاصله گرفته و به تصاویر عمقی نزدیک شده است. در این تشبیهات بلیغ اصولاً مشبهه، مقید به صفات یا کلماتی است که واژه را از جهان حسی فراتر میبرد. در «از آن شیر مرغزار توحید و شهسوار میدان تجرید ابوبکر شبلی... بشنو» (عبرالعاشقین: ۱۴۶ و ۱۴۷) شبلی به شیر و سوارکاری ماهر تشبیه شده است. این دو تشبیه محسوس به نظر می‌رسد اما مضاف‌الیه‌های این دو مشبهه، تشبیه را از حوزه حسی فراتر میبرد. شبلی همانند شیری است که در توحید مرغزارمانند گردش میکند و یا همانند شهسواری است که در تجرید میدان‌مانند می‌تازد. تشبیه شبلی به شیر و شهسوار به سبب همراهی با تشبیهات بلیغ «مرغزار توحید» و «میدان تجرید» که به صورت مضاف‌الیه برای مشبهه به کار رفته از صورخیال پیچیده‌تری برخوردار شده است. **کاربرد فراوان تشبیه بلیغ مفرد به مفرد:** کاربرد فراوان تشبیه بلیغ مفرد به مفرد یکی از ویژگیهای تشبیه بلیغ در این سه اثر است. تشبیه مقید نیز در این آثار کم نیست؛ اما استفاده از تشبیه بلیغ مفرد به مفرد به سبب فراوانی زیاد، ویژگی سبکی این آثار است.

جدول ۴: انواع تشبیهات بلیغ مفرد و مقید در کل آثار

عنوان	مفرد	مقید	مفرد	مقید	مفرد	مجموع
عبرالعاشقین	۹۵۸	۲۱۷	۱۰۹	۵۰	۱	۱۳۳۵
کشف‌الاسرار	۸۳۵	۱۳۲	۱۱۱	۲۹	۱	۱۱۰۸
اسرارالتوحید	۱۲۳	۳۳	۲۹	۱	-	۱۸۶
مجموع	۱۹۱۶	۳۸۲	۲۴۹	۸۰	۲	۲۶۲۹

تشبیه بلیغ خود تشبیهی فشرده است اما نویسندگان این آثار گویی با کاربرد بسیار تشبیه بلیغ مفرد به مفرد به فشرده‌گی صورخیال خود افزوده‌اند. گویی ایجاز سخنان عارفان و متون عرفانی به صورخیال نیز راه یافته است. نمونه تشبیهات بلیغ مفرد به مفرد: شحنة تقوی (همان، ج ۲: ۴۱۸)؛ برید مرگ (همان: ۳۷۶)؛ شورستان دنیا، زمهریر مرگ (همان: ۳۷۷)؛ سلسله قهر، بحر توحید (اسرارالتوحید: ۲۴۴)؛ پرده غیب (همان: ۶۹)؛ مرکب عشق (عبرالعاشقین: ۲۵)؛ سلطان عشق؛ لشکر

عقل (همان: ۴۱)؛ باغ عشق (همان: ۱۰۳)؛ صحراء خرد (همان: ۱۱۱)؛ سواقی شوق؛ بحر عشق (همان: ۱۳۶).

۴) نقش مؤثر تشبیهات بلیغ مقید در استحکام صورخیال و رساندن معنا: با وجود فراوانی تشبیه بلیغ مفرد به مفرد در این آثار نمیتوان تشبیهات بلیغ مقید را نادیده گرفت. در تشبیهات بلیغ مقید نویسنده با افزودن صفت، ویژگی یا... به مشبه یا مشبه‌به، معنای را به خواننده انتقال داده است. در تشبیهات بلیغ این آثار گاه برای مشبه‌به صفتی بیان میشود؛ کاربرد این صفت علاوه بر مقید کردن مشبه‌به در حقیقت در انتقال معنای منظور نویسنده نقشی بسزا دارد. به بیان دیگر کاربرد صفت برای مشبه‌به این تشبیهات به خیال‌انگیزی تشبیه و متن می‌انجامد؛ مثلاً در «عشق، مرغ جانگداز است» (همان: ۱۴۴) تشبیه عشق به مرغ تشبیهی ساده است که وجه‌شبه‌های مختلفی برای آن میتوان منظور داشت؛ اما کاربرد صفت جانگداز برای مشبه‌به مرغ این تشبیه را از حد تشبیهات عادی فراتر میبرد؛ گویی این صفت نوعی حصر برای مشبه‌به ایجاد میکند به گونه‌ای که ذهن خواننده به جانب پرنده‌ای خاص و دست‌نیافتنی مثل ققنوس هدایت میشود. در تشبیهات بلیغ مقید، گاه نویسنده با جابه‌جایی صفت خاص مشبه‌به و نسبت دادن آن به مشبه، خیال‌انگیزی و تأثیرگذاری متن را افزایش داده است. مثلاً در «جان و دل را عقرب عشق نیش‌پرورد زهر زد» (همان: ۸۶) عشق به عقربی تشبیه شده است و صفت نیش‌پرورد که خاص عقرب است به جای همراهی با مشبه‌به به مشبه نسبت داده شده است؛ گویا نویسنده اینگونه، تشابه را به یکسان‌سازی نزدیک کرده است. خیال‌انگیزی و نقش تشبیهات مقید در انتقال معنای، بیشتر در تشبیهات مفرد به مقید است. به بیان دیگر کارکرد مؤثر تشبیه در انتقال معنای و خیال‌انگیزی با کاربرد مشبه‌به‌های مقید بسیار بیشتر از کاربرد مشبه‌های مقید است.

۵) کاربرد فراوان تشبیهات عقلی به حسی: فراوانی بسیار تشبیهات عقلی به حسی از دیگر ویژگیهای تشبیه بلیغ در این سه اثر است. در جدول زیر فراوانی انواع تشبیهات بلیغ از نظر حسی و عقلی نشان داده شده است.

جدول ۵: فراوانی انواع تشبیهات بلیغ حسی و عقلی در کل آثار

عنوان	عقلی به	حسی به	عقلی به	حسی به	جمع
عبرالعاشقین	۱۱۳۰	۱۴۸	۵۳	۴	۱۳۳۵
کشف‌الاسرار	۹۳۵	۷۶	۹۰	۷	۱۱۰۸
اسرارالتوحید	۱۱۲	۵۵	۱۶	۳	۱۸۶
مجموع	۲۱۷۷	۲۷۹	۱۵۹	۱۴	۲۶۲۹

از مجموع ۲۶۲۹ تشبیه بلیغ، ۲۱۷۷ تشبیه، عقلی به حسی است. فراوانی تشبیهات محسوس به معقول عرصه را برای دیگر انواع تشبیهات تنگ میکند. بیان مباحث عرفانی، اخلاقی، مذهبی که

محتوای اصلی آثار عرفانی است، الفاظ و مفاهیم معقول را می‌طلبد و همین عامل اصلی افزایش تشبیهات عقلی به حسی است. بسیاری از مشابه‌ها در این آثار، اصطلاحات و الفاظ عرفانی است. واژه‌هایی مثل: قبض، بسط، عشق، مهر، شهوت، شوق، انس و....

بالین انس (کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، ج ۱: ۳۶)؛ شراب شوق (همان: ۳۰)؛ باد کرم (همان: ۳۴)؛ تیر دعا، نشانه اجابت (همان، ج ۲: ۲۵)؛

استعاره

در این سه اثر ۲۶۶ استعاره مصرحه مشاهده شد. در جدول زیر فراوانی انواع استعاره مصرحه نشان داده است. بیشترین کاربرد استعاره را میتوان در عبهرالعاشقین مشاهده کرد. (۱۵۰ نمونه) از میان انواع استعاره، استعاره مصرحه مجرده پرکاربردترین نوع استعاره در این سه اثر است.

جدول ۶: فراوانی انواع استعاره مصرحه

عنوان	عبهرالعاشقین	اسرارالتوحید	کشف‌الاسرار	مجموع
استعاره مجرده	۷۷	۱۷	۵۰	۱۴۴
استعاره	۵۳	۱۱	۲۲	۸۶
استعاره مجرده	۲۰	۳	۱۳	۳۶
مجموع	۱۵۰	۳۱	۸۵	۲۶۶

برای زبان عرفان از دیرباز تقسیم‌بندیهای مختلفی ذکر شده (ر.ک: شرح شطحیات: ۸۰) که از آن جمله زبان «عبارت» و «شارت» است (تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، نوپا: ۵). شناخت مستعارله در زبان عبارت و آثار عرفانی تعلیمی بسیار آسانتر از آثار نوشته شده به زبان اشارت است. به همین سبب شناخت مستعارله در استعاره‌های اسرارالتوحید و کشف‌الاسرار از شناخت مستعارله در عبهرالعاشقین آسانتر است. برخی از قسمتهای عبهرالعاشقین یک تجربه فردی و شهودی است. نویسنده شواهدی را دریافته و سپس آن را بیان کرده است. آنچه بیان میشود نه کاملاً شطح است و نه زبان عبارت؛ گاه زبان بسیار روان است چنانچه گویی خارج از عالم ماده و بیرون از تجارب همگان سخنی بیان نمیشود؛ اما گاه زبان نویسنده به جانب ماوراء می‌رود و از شواهدی سخن میگوید که برای دیگران غریب و چه بسا گاه مبهم و نامفهوم مینماید. نویسنده در این هنگام برای بیان تجارب خود، از بلاغت بسیار بهره برده است؛ گویی هدف وی از کاربرد تشبیهات، استعاره‌ها و دیگر آرایه‌ها و صنایع ادبی نزدیک کردن دنیای تجربی خود به دنیای مادی و آشنای همگان است. به همین سبب درک برخی از این استعاره‌ها برای خواننده دشوار است. مثلاً شروع کتاب با دیدن جتی لعبتی آغاز میشود (عبهرالعاشقین، روزبهان بقلی: ۶). سخنان متعدد و مختلفی درباره ماهیت جتی لعبتی بیان شده است. برخی آن را جمال قدم میدانند (رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، پورنامداریان: ۶۶) و برخی دیگر من ملکوتی نویسنده (بررسی سبک نثر شاعرانه در عبهرالعاشقین

بزرگ بیگ‌دلی: ۲۳)؛ اما آیا به واقع میتوان گفت مراد حقیقی نویسنده از این استعاره چیست؟ به نظر میرسد این سخنان بیشتر تأویل‌گونه‌هایی از تجربه شخصی نویسنده‌ای است که دیگران قادر به دریافت آن تجربه نخواهند بود. مثلاً در «روح نوآموز ازل... سر از مغاره دیده رسم صورت آدم بیرون کرده، آیات مجهول را نشانهٔ عروس قدم می‌کرد، میگفت: "هَذَا رَبِّي". [انعام: ۷۶]» (همان: ۷۴) با استفاده از قسمتی از آیهٔ قرآن کریم (هَذَا رَبِّي) که در اینجا قرینه‌ای برای درک استعاره است، میتوان دریافت مستعارله میتواند خداوند باشد اما در نمونه‌های زیر درک حقیقت اصلی مستعارله دشوار است: «چون به جست‌وجوی معشوق درآمد، جوهر فطرت روح ناطقه از سر ارادت در مرکب طلب از رنجوری ناپافت کام در بطنان اشباح استرواح طلب کرد... تا بیمکان را در لا مکان جستی و غبار حدوثیت به قطرات دموع حزن عشق از چهره عروس قدم بشستی چون فطنت ادراک حقایق در زمان ارادت دستش نداد، رسم عشق او را در آینه اکوان و حدثان جمال معشوق نمود. زیرا که از امر ربّانی در دیده جاودانی پردهٔ عروس قدم داشت» (همان: ۵۶)؛ همچنین: (همان: ۷۳)؛ (همان: ۱۰۳).

استعاره مصرحه مجرده

بسیاری از استعاره‌های مصرحه مجرده در این سه اثر، به سبب کاربرد شواهد و اشعار نقل شده از دیگران است. به همین سبب بسیاری از این استعاره‌ها در شمار استعاره‌های مرده قرار می‌گیرد. استعاره‌های مصرحهٔ مجرده‌ای مثل جان، صنم، شمع و بت برای معشوق از این نوع است (ر.ک: اسرارالتوحید: ۳۷۸، ۲۷۵، ۳۳۱). برخی دیگر از استعاره‌ها در زبان عرفان، به سبب کاربرد فراوان، گویی به یک کلیدواژه تبدیل میشوند؛ به همین سبب میتوان این نوع استعاره‌ها را در شمار استعاره‌های مرده قرار داد؛ زیرا خواننده با توجه به بافت و محتوای کلام بلافاصله مستعارله را در خواهد یافت؛ مثلاً استعاره‌ای مثل جانان برای خداوند از این نوع است. البته این سخن بدان معنا نیست که استعاره‌های مصرحهٔ مجردهٔ بدیع در این آثار به کار نرفته است؛ مثلاً در «این دعاگو نمی‌خواست که باز آن جواهر نفیس، شبه خسیس خویش عرضه کند» (همان: ۶) جواهر نفیس استعارهٔ مصرحهٔ مجرده از کتابی که پسرعم منور، پیش از او به نگارش درآورده و شبه خسیس استعارهٔ مصرحهٔ مجرده از اسرارالتوحید، نمونه‌هایی از کاربرد استعاره‌های غیرتکراری است.

استعارهٔ مصرحهٔ مرشحه

بسیاری از استعاره‌های زنده و بدیع این سه اثر، استعارهٔ مصرحه است. «اکنون لشکرها به سینه تو تاختن آرد، وادیهای گوناگون بینی» (اسرارالتوحید: ۲۶) (استعاره از کشفها و شواهد غیبی)؛ «خواجه حمویه اشارت به شیخ کرد که «اسلامش عرضه کن.» من گفتم: "چندین پیخستش مکنید از بندش بیرون کنید."» (همان: ۱۸۶) (استعاره از کفر)؛ در مقاله «استعاره‌های ترکیبی گونه‌ای

نویافته از استعاره در سروده‌های خاقانی» (پارسا: ۲۵-۵۰) درباره استعاره‌هایی صحبت میشود که از حدّ یک واژه فراتر می‌رود. در این نوع استعاره‌ها از ترکیب کلمات با یکدیگر معنایی تازه، متمایز از معنای هر یک از واژه‌های مستقل آن، شکل می‌گیرد (ر.ک: همان: ۳۱). در این سه متن به ویژه در عبهرالعاشقین چنین استعاره‌های مرکبی را میتوان مشاهده کرد. این استعاره‌های ترکیبی معمولاً از ترکیب چند اسم ساخته میشود. این نوع استعاره‌ها زمانی در زبان عرفان شکل می‌گیرد که نویسندگان با یک واژه نمیتواند عاطفه، احساس و در نتیجه معنای منظور خود را به خواننده منتقل کند؛ به همین سبب از ترکیب چند اسم بهره می‌برد. «رقام طراز نیم‌کار آدم» (عبهرالعاشقین: ۱۰۷)، «آئینهٔ محدود عالم» (همان)، «غوّاص بحر عبرات شوق» (همان: ۲۳) و «نخّاس عرایس عشق» (همان) استعاره‌هایی از پیامبر اسلام (ص) از این نوع است. در این نوع استعاره نویسنده توانسته است با مجموعه‌ای از کلمات علاوه بر آفرینش استعاره‌ای نو و بدیع، به استعاره‌های مرده جامه‌ای نو بپوشاند.

استعارهٔ مصرحهٔ مرشحه (مطلقه)

در این استعاره همراه با مستعارمنه هم از ملائمتات و قرائن مشبّه و هم از ملائمتات و قرائن مشبّه استفاده می‌شود.^۱ (بیان، شمیسا: ۱۶۱) این نوع استعاره در این آثار بسیار اندک است. «آفریدگار... آفتاب دولت آن سایهٔ حق را تا قیام ساعت تابنده دارد... و سایه عدل و انصاف آن آفتاب سلاطین دهر و خورشید ملوک عصر را ابدالدهر... پاینده دارد.» (اسرارالتوحید: ۱۰) (استعاره از حاکم زمانه)؛ استعاره مکنیه

عبدالقاهر جرجانی استعارهٔ سودمند را یا در لفظ میدانند و یا در فعل (ر.ک: اسرارالبلاغه: ۳۲ و ۳۳). در کتابهای بلاغت قدیمی تمایزی میان استعارهٔ مکنیه و تشخیص گذاشته نشده است، اما در کتابهای بیان معاصر این دو مبحث جداگانه بررسی میشود. در این پژوهش در زیرمجموعهٔ استعارهٔ مکنیه علاوه بر تشخیص از عنوان جاندار و غیرجاندار نیز یاد میشود. در جدول زیر فراوانی انواع استعاره‌های مکنیه در این سه اثر نشان داده شده است.

جدول ۷: فراوانی انواع استعاره‌های مکنیه در سه اثر

عنوان	عبهرالعاشقین	اسرارالتوحید	کشف‌الاسرار	مجموع
مکنیه (غیرجاندار)	۳۷	۵۹	۲۶۸	۳۶۴
مکنیه (جاندار)	۱۹۸	۹	۴۱	۲۴۸
مجموع	۲۳۵	۶۸	۳۰۹	۶۱۲

۱- استعارهٔ مطلقه در کتابهای بلاغت به یک معنا نیست، مثلاً در مختصر المعانی در تعریف استعاره مطلقه آمده است: «استعاره‌ای که به چیزی متناسب و هماهنگ با مستعارله یا مستعارمنه همراه نیست، این استعاره مطلقه نامیده میشود.» (مختصر المعانی: ۲۳۴) به همین سبب در این پژوهش از ترکیب «استعارهٔ مصرحهٔ مجردة مرشحه» استفاده میشود.

تشخیص

با بررسی شواهد مستخرج از این سه اثر میتوان گفت تشخیص در این آثار، به دو صورت ابداع میشود:
 ۱) نسبت دادن افعال خاص انسانی به غیرانسان: «چون علم دست از تو بداشت» (همان: ۱۱۹)؛ «کعبه گرد تو طواف میکند» (همان: ۱۳۸)؛ «این نفس تو است که سخنها با تو میگوید» (همان: ۲۸۶)؛ «حسن انبساط در رویش بخندد» (عبرالعاشقین: ۱۰۹)؛ «چون جان از آن شراب خورد مست ابد گشت» (همان: ۱۲۶).

۲) نسبت دادن صفات، ویژگیهای خاص انسانی به غیرانسان: «ارواح انبیاء و اولیاء ... مست شدند» (همان: ۱۳۲)؛ «زمینی بود ... به خدای بنالیده است ... قدم دو ستی بر روی من بران، تا من فردا بر زمینهای دیگر فخر کنم» (اسرارالتوحید: ۱۳۶)؛ «درخت را گوی» (همان: ۲۵۵)؛ «بقول الله تعالی للاخلاص: ... و يقول للشرك» (همان: ۲۹۲)؛ «عمود نور را فرودم» (کشفالاسرار و عدةالابرار، ج ۱: ۲۰۹).

بررسی تصاویر از منظر برون‌گرایی و درون‌گرایی (محسوس و معقول)

به سبب فراوانی بسیار تصاویر تشبیهی فشرده در این سه اثر، برای بررسی تصاویر تشبیهی از منظر برون‌گرایی و درون‌گرایی (محسوس و معقول)، تشبیهات فشرده بلیغ، استعاره مکنیه و تشخیص، برای جامعه آماری انتخاب شد. در جدول زیر مشبه و مشبه‌به تشبیهات بلیغ، استعاره مکنیه و تشخیص، در این سه اثر، از نظر حسی و عقلی بررسی و نتایج آن ثبت شده است. در بررسی ۳۷۴۲ تشبیه بلیغ، تشخیص و استعاره مکنیه در این متون میتوان دریافت تعداد بسیاری از تشبیهات از نوع عقلی به حسی است. این تشبیهات با ۳۲۰۱ عدد، ۸۵٫۵۴ درصد از مجموع کل تصاویر (۳۷۴۲ عدد) را به خود اختصاص داده است. پس از آن با اختلاف بسیار زیادی تصاویر حسی به حسی با فراوانی ۳۶۰ عدد (۹٫۶۲ درصد) قرار میگیرد. دو تصویر عقلی به عقلی و حسی به عقلی با فراوانی ۱۶۷ و ۱۴ عدد تعداد بسیار اندکی از تصاویر تشبیهی را دربر گرفته است.

جدول ۸: بررسی بلیغ، تشخیص و مکنیه از نظر حسی و عقلی در کل آثار

عنوان	عقلی	حسی	عقلی	حسی	مجموع
عبرالعاشقین	۱۵۸۶	۱۶۷	۵۳	۴	۱۸۱۰
کشفالاسرار	۱۳۹۶	۱۲۰	۹۸	۷	۱۶۲۱
اسرارالتوحید	۲۱۹	۷۳	۱۶	۳	۳۱۱
مجموع	۳۲۰۱	۳۶۰	۱۶۷	۱۴	۳۷۴۲

حجم بسیار تصاویر عقلی به حسی و کاربرد فراوان مشبه‌های عقلی با درونمایه عرفانی و با اهداف نگارش آثار (همانند تعلیم مفاهیم عرفانی و ...) مرتبط است. قرارگرفتن بسیاری از اصطلاحات و ترکیبات عرفانی در جایگاه مشبه موجب افزونی مشبه‌های عقلی است. به همین سبب

میتوان گفت تشبیه برای عارفان و نویسندگان متون عرفانی، ابزاری برای وصف و تبیین اندیشه‌های عرفانی است.

نمونه‌هایی از تصاویر تشبیهی عقلی به حسی: چوگان عتاب (کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، ج ۱: ۱۶۱)؛ دهره بلا (همان: ۱۹۸)؛ باغ وصال (همان: ۱۹۶)؛ باد فضل، میغ بر، باران لطف، سیل مهر (همان: ۱۱۵).

نمونه‌هایی از تصاویر تشبیهی حسی به حسی: پرده شب (همان: ۷۱۰)؛ سهام مژگان (عبر‌العاشقین: ۶۱ و ۶۲)؛ گلستان رخسار، ماه روی (همان: ۶۰)؛ آئینه روی آدم (همان: ۷۹)؛ لب لعلش (همان: ۷).

نمونه‌هایی از تصاویر تشبیهی عقلی به عقلی: سلطنت انبساط (همان: ۱۱۲)؛ مهالک خدعت (همان: ۱۰۸)؛ سیاست قطعیت (کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، ج ۲: ۱۲)؛ آفت پراکندگی (همان: ۴۰۰)؛ رسوم انسانیت (همان: ۵۰۶).

بررسی ماهیت تصاویر در عبر‌العاشقین، اسرارالتوحید و کشف‌الاسرار و عده‌الابرار عارف با توجه به محتوا و حال و تجربه عرفانی خویش میتواند از انواع مختلف زبان عبارت و اشارت بهره برد. هر زبانی تصاویر ویژه خود را میطلبد. مثلاً زبان اشارت جایگاه تصاویر مبهم و سوررئال و زبان عبارت، جایگاه تصاویر دیگری مثل کلاسیک و گاه رمانتیک است. به همین سبب میتوان گفت تصویر در زبان عرفان میتواند به صورتهای مختلفی اعم از رئالیسم، رمانتیک، سوررئالیسم و... مشاهده شود.

تصاویر کلاسیک: تشبیهات حسی به حسی حاصل روابط عقلانی میان دو رکن تشبیه و به طور کلی حاصل رؤیت است. در بین این آثار، ویژگی‌های خاص تصاویر کلاسیک را بیش از همه در اسرارالتوحید میتوان مشاهده کرد. این اثر شرح زندگی، سخنان و رفتار ابوسعید ابی‌الخیر است که گاه رنگی تعلیمی مییابد، گاه توصیف مشهودات ابوسعید و بزرگان عرفان است و گاه از زبان ابوسعید و یا دیگران مباحثی همانند هجران، وصال و ستایش محبوب مطرح میشود. در هر یک از اینها زبان، تصاویر خاص خود را میطلبد؛ اما در مقایسه میان سه اثر، تصاویر کلاسیک در اسرارالتوحید بیش از دیگر آثار نمود یافته است و این موضوع میتواند در ارتباط با زبان عبارتی این اثر باشد.

تصویر اثباتی مولود ادراک حسی و حاصل اندیشه‌ای عقلانی است (بلاغت تصویر، فتوحی: ۵۸) و در این باره تصویر ابزاری برای توضیح تجربه و تشریح اندیشه، آموزش، اخلاق، آگاهی‌رسانی و اثبات دعاوی است و بیشتر به قصد اثبات و تقریر یک معنا یا موضوع آفریده میشود (همان: ۶۰). در زبان عرفان نویسندگان از تصاویر همانند یک ابزار برای انتقال معنا بهره برده است. به همین سبب بیشتر تصاویر تشبیهی در این سه اثر، اثباتی است. از سویی دیگر به سبب آنکه بسیاری از تصاویر تشبیهی در زبان عرفان برای توضیح و انتقال معناست، میتوان گفت این تصاویر از نظر کارکرد همانند تصاویر

کلا سیک است. تصاویر کلا سیک علاوه بر اینکه آراینده محتواست، به و صف و تو ضیح معنا نیز میپردازد (همان: ۱۵۷ و ۱۵۸) تشبیه وصل به شراب، (اسرارالتوحید: ۳۳۰)، تحیر به بیابان (همان: ۲)، آخرت به سرا (همان: ۲۱۸)، کشش به بوستان (همان: ۳۱۴) شوق و نیاز به آتش (همان: ۲۹۵ و ۲۹۶)، شهوت به کمند (همان: ۲۹۱)، "نفخت فیه من روحی" به زیور (همان: ۱) نمونه‌هایی از تشبیهاتی است که هدف در آن بیشتر وصف و تبیین مشبه از جنبه‌های گوناگون است.

تصاویر رمانتیک: استحاله نویسنده در طبیعت از ویژگیهای تصویر رمانتیک است (بلاغت تصویر، فتوحی: ۱۲۳) که در زبان عرفان نیز مشاهده میشود. کل هستی در نظر عارف یک واحد زنده و پویاست. کاربرد بسیار عناصر طبیعت در زبان عرفان و کاربرد آن در توصیف حالات عرفانی، نمودی از استحاله نویسنده در این عناصر است. در تصاویر تشبیهی این سه اثر، حجم بسیاری از مشبه‌ها، عناصر طبیعت است. یکی از عوامل افزونی تشبیهات عقلی به حسی کاربرد فراوان عناصر محسوس طبیعت (جاندار یا بی جان) در جایگاه مشبه است. تشبیه‌های فتوت، شجاعت، لطافت و ظرافت به نبات (اسرارالتوحید: ۳۱۴)، منیت به درخت (همان: ۳۰۴)، علم، اسلام، ایمان، حقیقت، وضو به نور (همان: ۲۴۸ و ۲۹۴ و ۲۹۶ و ۱۵۶)، اندوه به بادیه (همان: ۱۳۸)، توحید به دریا (همان: ۲۲۴)، تجلی به روز و استتار به شب (همان: ۳۰۶) و... از نمونه‌های کاربرد عناصر طبیعت در جایگاه مشبه است. از سویی دیگر در متون و حکایات عرفانی گاه بزرگان عرفان با موجودات دیگر هستی مثل آسیاب، دریا، نان خشک، سگ و... سخن میگویند مثل اینکه آنها موجوداتی زنده‌اند و همانند انسان سخن میگویند (ر.ک: همان ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۴۱، ۲۴۷، ۲۵۷، ۲۵۵). بنابراین به نظر میرسد اگر رمانتیکها با طبیعت و اشیاء ارتباط روحی خاص دارند، (بلاغت تصویر، فتوحی: ۱۵۳) عارف گویی در طبیعت حل شده است. سخن گفتن عارفان با عناصر مختلف هستی حکایتگر این موضوع است و این موضوع برخاسته از دیدگاه وحدت‌نگر عارفان است.

تصویر سوررئالیسم: «سوررئالیسم، اساس کار خود را بر تداعی آزاد معانی و افکار و تصاویر و نوعی حالت خلسه و رویا میگذارد و میکوشد تا به خلایق هنری جنبه خودبخودی دهد» (رئالیسم و ضدرئالیسم در ادبیات، پرهام: ۱۲۸). عارفان و نویسندگان متون عرفانی، گاه تحریر آثارشان همراه با غلبه هیجانات روحی و اتکا بر الهامات و دریافتهای درونی است و به همین سبب آثار و نوشته‌های آنان گاه رنگی سوررئالیستی مییابد. از بین سه اثر، عهبرالعاشقین از تصاویر سوررئالیستی بیشتری برخوردار است. مثلاً در «روح نوآموز ازل... آیات مجهول را نشانه عروس قدم می‌کرد، می‌گفت: "هذا ربّی" [انعام: ۷۶]». (عهبرالعاشقین: ۷۴) حق به عروس تشبیه شده است. این تشبیه علاوه بر آنکه در بین مسلمانان معمول نیست حتی همانند تصاویر سوررئالی غیرمنتظره و غافلگیرکننده است. تصویر هنگامی آشکارتر میشود که مباحثی مثل تشبیه و تنزیه مطرح میگردد. از دیدگاه صوفیه حقیقت ازلی از هر گونه شباهتی میرآست. بنابراین تنزیه را ویژگی و صفت حق میدانند. اکنون تشبیه

خداوند به عروس می‌تواند تشبیهی منحصر به فرد، غافلگیرکننده و مولود یک تجربه شهودی باشد که مرزهای عادت را درهم می‌شکند و به خیال نیز آزادی می‌بخشد.

از دیگر ویژگی‌های تصاویر سوررئالیستی وظیفه کشف و روشنگری است. کشف ابعاد مجهول روان انسان و روشنگری بعد پنهان روح آدمی (بلاغت تصویر، فتوحی: ۳۱۶). در بسیاری از تشبیهات زبان عرفان مشبه، روح، نفس ناطقه، طبع و سرشت و ابعاد مجهول آدمی و ماورائی است که سالک در تجارب خود بیشتر با آن بعد سر و کار دارد. کاربرد این نوع تشبیهات در عبرالعاشقین درخور توجه است: «و مرغ روح ناطقه» (عبرالعاشقین: ۸۴)؛ «معادن طبایع انسانی» (همان: ۱۹)؛ «لاجرم عقل قدوسی و روح قدوسی آینه قدم آمد،» (همان: ۴۴)؛ «زانکه مرغان روحشان قفس جسم بشکست» (همان: ۵۲) «روح در معدن دل چون بنشست،» (همان: ۴۵)؛ «زیرا که نفس را لگام عفت در سر کرد و گفت "و عفا"» (همان: ۲۴ و ۲۵).

نتیجه‌گیری

در این مطالعه سه کتاب عبرالعاشقین، اسرارالتوحید و کشف‌الاسرار و عده‌الابرار از نظر کاربرد تصاویر تشبیهی بررسی شد. در این بررسی ۴۲۴۱ تصویر تشبیهی از این آثار استخراج گردید که عبارت اس از: (۱) استعاره (۲) استعاره مکنیه (۳) تشخیص (۴) تمثیل (۵) تشبیه بلیغ (۶) تشبیه مجمل (۷) تشبیه مؤکد (۸) تشبیه کامل. در یک دسته‌بندی کلی این تصاویر تشبیهی به دو نوع تصاویر تشبیهی فشرده و غیرفشرده تقسیم می‌شود. کاربرد تشبیهات فشرده در این متون بسیار بیشتر از کاربرد تشبیهات غیرفشرده است به گونه‌ای که میتوان آن را ویژگی برجسته متون منثور عرفانی دانست. تشبیه بلیغ، تشخیص، استعاره مکنیه و استعاره مصرحه در این سه کتاب بسیار پرکاربرد است. از مجموع ۴۲۴۱ تصویر تشبیهی، ۱۹۹۰ تصویر از عبرالعاشقین، ۱۸۵۱ تصویر از کشف‌الاسرار و عده‌الابرار (جلد اول و دوم) و ۴۰۰ تصویر از اسرارالتوحید استخراج شد. تشبیه بلیغ پرکاربردترین نوع تشبیه در این آثار است که به دو صورت اضافی و اسنادی مشاهده می‌شود؛ البته تشبیه بلیغ اضافی بسیار پرکاربردتر از اسنادی است. از مجموع ۲۶۲۹ تشبیه بلیغ، ۲۱۳۹ تشبیه به صورت اضافی و ۴۹۰ تشبیه به صورت اسنادی است. با وجود آنکه تشبیه بلیغ خود تشبیهی موجز و فشرده است، کاربرد تشبیهات بلیغ اضافی گویی این فشرده‌گی و موجزی را بیش از تشبیه بلیغ اسنادی آشکار می‌کند. در بررسی تشبیهات بلیغ از منظر سبک‌شناسی میتوان ویژگی‌های متعددی برای این نوع تشبیه فشرده در زبان عرفانی این آثار در نظر گرفت: (۱) استفاده از آیات یا احادیث در جایگاه مشبه؛ (۲) تشبیهات بلیغ متوالی؛ (۳) صورخیال مضاعف یا پیچیده؛ (۴) کاربرد فراوان تشبیه بلیغ مفرد به مفرد؛ (۵) نقش مؤثر تشبیهات بلیغ مقید در استحکام صورخیال و رساندن معنا؛ (۶) کاربرد فراوان تشبیهات عقلی به حسی.

انواع مختلف استعاره (استعاره مصرحه، استعاره مکنیه، تشخیص) صورخیال دیگر در این آثار

است. استعاره مکنیه به صورتهای مختلفی مثل تشخیص، استعاره مکنیه جاندار و غیرجاندار به ترتیب با فراوانیهای ۵۰۱، ۲۴۸، ۳۶۴ از پرکاربردترین انواع استعاره در این سه اثر است. برخی از استعاره‌های مجرد از نوع استعاره‌های پرکاربرد یا به عبارتی مرده است. البته این استعاره‌ها بیشتر به سبب کاربرد اشعار دیگران در جایگاه شاهد در متن مشاهده می‌شود و نویسنده‌گان در کاربرد استعاره‌های مرشحه، ابداع و نوآوری‌های بیشتری به کار برده‌اند. برخی از این نوع استعاره‌ها از حدّ یک واژه فراتر می‌رود و حالتی ترکیبی می‌یابد. در زبان عرفان به ویژه در آثاری که به زبان اشارت یا آمیخته با آن نوشته می‌شود، یافتن برخی مستعارله‌ها کاری دشوار است. خوانندگان، بیشتر در یافتن مستعارله به تأویل متمایل می‌شوند؛ زیرا درک معنا و حقیقت اصلی آنچه نویسنده یا عارف در تجربه شهودی به آن دست یافته برای همگان در دسترس نیست.

در این آثار تشبیهات کامل، مجمل، مؤکد و تمثیل در جایگاه تصاویر تشبیهی غیرفشرده، فراوانی بسیار اندکی دارد؛ به گونه‌ای که مجموع این تصاویر در این آثار فقط ۲۳۳ تصویر است. در بررسی تصاویر تشبیهی از منظر برون‌گرایی و درون‌گرایی (محسوس و معقول)، تصاویر تشبیهی فشرده برای جامعه آماری انتخاب شد. در این بررسی انواع تصاویر تشبیهی عقلی به حسی با فراوانی ۳۲۰۱ از بیشترین کاربرد برخوردار است. کاربرد فراوان تشبیهات عقلی به حسی با محتوا و درونمایه آثار مرتبط است. بیان، شرح و توضیح مفاهیم عرفانی، مذهبی، اخلاقی و تعلیمی واژه‌ها، اصطلاحات و ترکیبات ذهنی - عقلی را می‌طلبد و همین موضوع موجب فراوانی مشبه‌های عقلی در اینگونه متون است. تشبیهات حسی نیز گاهی در این متون، از حوزه محسوس صرف فاصله می‌گیرد. ترکیبات اضافی در جایگاه مشبه و مشبه‌به گاهی باعث می‌شود که مشبه محسوس، جنبه خیالی یابد و حاصل ترکیب موضوع یا چیزی خیالی و عقلی باشد. بنابراین کاربرد تشبیهات عقلی به حسی از دیگر ویژگیهای سبکی نثر عرفانی است.

در بررسی ماهیت تصاویر می‌توان گفت، ماهیت تصاویر تشبیهی این آثار، در سه نوع تصاویر کلاسیک، رمانتیک و سوررئالیسم درخور بررسی است.

منابع

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) ارزش ادبی ابهام از دو معنایی تا چند لایگی معنا، فتوحی، محمود، ۱۳۸۷، مجله زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت معلم، ش ۶۲، س ۱۶، ۱۷-۳۷.
- ۳) اساس الاقتباس، خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۱، تصحیح مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۴) استعاره در زبان عرفانی میبیدی، جبری، سوسن، ۱۳۸۷، کاوش‌نامه، س ۹، ش ۱۷، ۲۹-۵۸.
- ۵) استعاره، هاوکس، ترنس، ۱۳۹۰، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز، چ ۴.

- ۶) استعاره‌های ترکیبی گونه‌ای نویافته از استعاره در سروده‌های خاقانی شروانی، پارسا، سید احمد و فردین حسین‌پناهی، ۱۳۹۰، بوستان ادب، س ۳، ش ۲ (پیاپی ۸)، ۲۵-۵۰.
- ۷) اسرارالبلاغه، جرجانی، عبدالقاهر، ۱۳۸۹، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران، چ ۵.
- ۸) بررسی اغراض ثانویه معانی، بیان، مختصات نگارشی و سبکی عبهرالعاشقین، شهبازی، حسین، ۱۳۹۴، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ۸، ش ۲، شماره پیاپی ۲۸-۲۸۶.
- ۹) بررسی رابطه تجربه عرفانی و زبان تصویری در عبهرالعاشقین، فتوحی، محمود و مریم‌علی‌نژاد، ۱۳۸۸، ادب پژوهی، (ش ۱۰)، ۷-۲۵.
- ۱۰) بررسی سبک نثر شاعرانه در عبهرالعاشقین، بزرگ‌بیگ‌دلی، سعید و ناصر نیکوبخت و سید محسن حسینی مؤخر، ۱۳۸۵، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ش ۶، ۲۱-۴۹.
- ۱۱) بلاغت تصویر، فتوحی، محمود، ۱۳۸۵، تهران: سخن.
- ۱۲) بیان، شمیسا، سیروس، ۱۳۸۱، تهران: فردوسی چ ۹.
- ۱۳) پیشینه مبانی سوررئالیسم در ادبیات عرفانی، مشتاق مهر، رحمان و ویدا دستمالچی، ۱۳۸۹، فصلنامه زبان و ادب فارسی، ش ۴۴، ۸۳-۱۰۰.
- ۱۴) تشابهات صوری ادبیات سوررئالیستی در تذکره‌الاولیای عطار، خلیلی جهان‌تیغ، مریم و فاطمه تیموری فتحی، ۱۳۹۱، بوستان ادب، س ۴، ش ۳ (پیاپی ۱۳)، ۱-۱۸.
- ۱۵) تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، نوپا، پل، ۱۳۷۳، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۶) درالادب در فن معانی و بیان، آق‌اولی، عبدالحسین، بی‌تا، بدیع، بی‌جا: بی‌نا.
- ۱۷) رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی، پورنامداریان، تقی، ۱۳۸۶، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۶.
- ۱۸) روزبهان‌نامه (روح الجنان فی سیره الشیخ روزبهان)، عبداللطیف صدرالدین (روزبهان‌الثانی)، ۱۳۴۷، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- ۱۹) رئالیسم و ضدرئالیسم در ادبیات، پرهام، سیروس، ۱۳۴۹، تهران: نیل.
- ۲۰) زیبایی‌شناسی سخن پارسی (۱) بیان، کزازی، میرجلال‌الدین، ۱۳۷۵، چ ۵، تهران: کتاب‌ماد (وابسته به نشر مرکز)
- ۲۱) سفر در مه تأملی در شعر احمد شاملو، پورنامداریان، تقی، ۱۳۷۴، تهران: کارنامه.
- ۲۲) شرح شطحیات شامل گفتارهای شورانگیز و رمزی صوفیان، روزبهان‌بقلی، ۱۳۸۹، تصحیح هنری کوربن، ترجمه محمدعلی امیرمعزی، تهران: طهوری، چ ۶.
- ۲۳) صور بیانی مضاعف در شعر فارسی، صرفی، محمدرضا، ۱۳۸۸، پژوهشنامه زبان و ادبیات

فارسی، ش ۱، ۱۰۷-۱۳۲.

- ۲۴) صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۶۶، تهران: آگاه، چ ۳.
- ۲۵) مہرالعاشقین، روزبہان، بقلی شیرازی، ۱۳۳۷، تصحیح ہانری کربن و محمد معین، تہران: انستیتو ایران و فرانسه قسم ایرانشناسی.
- ۲۶) عیار استعارہ جلوہ‌ای از اعجاز بیانی قرآن کریم، ضیاء آذری، شہربار، ۱۳۹۰، تہران: سروش.
- ۲۷) فراہنجاری معنایی در نثر کشف‌الاسرار میبیدی، بارانی، محمد، ۱۳۷۸، مجلہ علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، ش ۹، ۲۵۳-۲۷۷.
- ۲۸) فنون بلاغت و صناعات ادبی، ہمایی، جلال‌الدین، ۱۳۷۳، تہران: نشر ہما، چ ۵.
- ۲۹) مختصرالمعانی، تفتازانی، سعدالدین، ۱۳۸۳، تہران: دارالفکر، چ ۸.
- ۳۰) مختصری در معانی و بیان فارسی، صفا، ذبیح‌اللہ، ۱۳۷۳، تہران: ققنوس، چ ۱۸.
- ۳۱) المعجم فی معایر اشعار العجم، قیس رازی، شمس‌الدین محمد، ۱۳۷۳، بہ کوشش سیروس شمیسا، تہران: فردوسی.
- ۳۲) معیار جمالی و مفتاح ابواسحاق، فخری اصفہانی، شمس‌الدین محمد، ۱۳۸۹، تصحیح یحی کارگر، تہران: کتابخانہ موزہ و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۳۳) نفحات الانس، جامی، عبدالرحمن، ۱۳۷۵، تصحیح محمود عابدی، تہران: اطلاعات.
- ۳۴) ہرمونوتیک مدرن ج ۱، نیچہ، فریدریش و مارتین ہیدگر و ہانس گئورک گادامر و ...، ۱۳۷۹، ترجمہ بابک احمدی و مہران مہاجر و محمد نبوی، تہران: خوارزمی چ ۲.